

## گفتمان امامت در «کتاب التفسیر» حسن بن محبوب\*

[ سعید عزیزی<sup>۱</sup> / علی راد<sup>۲</sup> / روح‌الله شهیدی<sup>۳</sup> ]

### چکیده

از جمله روش‌های نوین مطالعه احادیث تفسیری امامیه، گفتمان‌کاوی تاریخی است. در این روش، بر پایه بافت‌شناسی فکری جامعه در زمانه شکل‌گیری کتب تفسیری شیعه و کشف آوای متعارض آن، گفتمان نهفته در دل روایات، واکاوی می‌گردد. بر پایه این روش، «کتاب التفسیر» حسن بن محبوب (۱۴۹ - ۲۲۴ ق) از اصحاب امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام، از جمله اصحاب اجماع امامیه و از استوانه‌های چهارگانه علمی شیعه در عصر خویش، تحلیل شده است. گزارشات تراث پژوهان حاکی از آن است که این کتاب، در بازه زمانی نیمه دوم قرن دوم و اوایل سده سوم هجری، یکی از منابع تفسیرروایی شیعه بوده است. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش، محتواشناسی تفسیر حسن بن محبوب به روش تحلیل گفتمان، و تحلیل جایگاه این تفسیر در تاریخ‌نگاری تفسیر امامیه در قرن دوم و سوم هجری است. بر پایه دستاورد این پژوهش، مؤلفه‌های گفتمان تفسیری حسن بن محبوب، چهار گفتمان وصایت و امام‌شناسی، تفضیل امیرالمؤمنین علی علیه السلام و تنقیص خلفا، ولایت و علم امام است. از این رو می‌توان چنین برآورد نمود که «کتاب التفسیر» ابن محبوب در رویارویی دیالکتیکی با چهار گفتمان رقیب، گردآوری شده و بازتاب یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** حسن بن محبوب، روایات تفسیری، آموزه امامت، گفتمان تفسیری، تفسیر امامیه.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۳.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس فارابی (نویسنده مسئول):  
saeedazizi24@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی: ali.rad@ut.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی: shahidi@ut.ac.ir

## درآمد<sup>۱</sup>

واژه «گفتمان» از واژه فرانسوی «Discourse» و لاتین «Discursus» به معنای گفتگو، محاوره و گفتار گرفته شده است.<sup>۲</sup> در اصطلاح، واژه «گفتمان» به چارچوب فکری خاصی گفته می‌شود که از طریق گزاره‌های کلامی پرشماری که در یک جامعه روی می‌دهد و پیوندهای خاصی میان مفاهیم مختلف ایجاد می‌کند، پدید آمده باشد و همه مفاهیم رایج در فضای فرهنگی آن جامعه، در آن، معنا و تفسیر می‌شوند. در واقع می‌توان گفت مقصود از گفتمان، بستری است که به خاطر شبکه‌ای از گفت‌و شنودهای (دیالوگ) فکری، میان گروهی از افراد در یک بازه زمانی و مکانی مشخص درباره یک موضوع شکل گرفته است.<sup>۳</sup> بر پایه پژوهش‌های نوین با رویکرد تحلیل گفتمان، همچون نظریه آوای متعارض باختین،<sup>۴</sup> سخن، امری موقعیت‌مند و برابند بافتار اجتماعی و حاصل تعامل دوسویه بین افراد هم‌سخن است. به عبارت دیگر، هر گفتاری در یک وضعیت اجتماعی مخصوص به خود پدید آمده و محصول کل واقعیت اجتماعی‌ای است که آن را در بر گرفته است. از این رو هیچ گفتاری را نمی‌توان یافت که فاقد تناظر با آوای رقیب باشد. باختین بر این باور است که هر فرد جامعه زبانی، همواره با کار بست مفاهیمی سخن می‌گوید که رقیبان و مخالفان اندیشه او نیز در شکل‌گیری اش نقش ایفا کرده‌اند.<sup>۵</sup>

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تحلیل گفتمان حدیثی حسن بن محبوب؛ مؤلفه‌ها و شاخصه‌ها» می‌باشد.

۲. بشیر، حسن، تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، ص ۹.

۳. رک: فرکلاف، نورمن، تحلیل انتقادی گفتمان، ص ۴۴-۴۵؛ نصرآوی، محمد، «درآمدی بر گفتمان‌کاوی تاریخی؛ مطالعه موردی خطبه حضرت زینب (علیها السلام) در شام»، صحیفه مبین، ۵۷ / ۶۹-۷۱؛ گرامی، سیدمحمد هادی، نخستین اندیشه‌های حدیثی شیعه: رویکردها، گفتمان‌ها، انگاره‌ها و جریان‌ها، ص ۲۹.

۴. میخائیل میخائیلویچ باختین (۱۸۹۵-۱۹۷۵م) زبان‌شناس و منتقد ادبی - هنری روسی است که اندیشه‌های وی، تأثیر زیادی بر نظریه‌های ادبی، اخلاق و فلسفه زبان داشته است.

۵. رک: تودوروف، تزوتان، منطق گفتگویی میخائیل باختین، ص ۵۴، ۷۶، ۸۳.

گفتمان کاوی از جمله روش های نوین در مطالعات تاریخ و تفسیر امامیه است.<sup>۱</sup> در این روش با بررسی گزاره های پرتکرار کلامی، کشف هدفمندی در صدور و بازتاب روایات تفسیری و شناخت آوای متعارض و گفتمان رقیب در میراث مکتوب کهن، مؤلفه های گفتمانی آنها بازیابی و مورد تحلیل قرار می گیرد. کاربست روش تحلیل گفتمان، موجب دستیابی به نتایجی در زمینه روان شناسی اعتقادی و جهان بینی مفسران، بسترشناسی شکل گیری آثار ایشان و نقش آنان در بازتاب اندیشه های تفسیری اهل بیت علیهم السلام می شود. بر پایه این الگوی روشی، می توان چنین برآورد نمود که تألیف «کتاب التفسیر» ابن محبوب در بافت فکری شهر کوفه و بوم عراق در سده دوم هجری، متأثر از گفتمان تفسیری حاکم در جامعه بوده و در بردارنده نوعی رویارویی با گفتمان هایی است که از سوی جبهه رقیب ترویج می گردید. از این رو با توجه به اهمیت و کارآمدی روش گفتمان کاوی و با بهره جویی از این روش در کنار رهیافت بازیابی میراث مفقود حدیثی<sup>۲</sup> در پی کسب مقاصد ذیل در این پژوهش می باشیم:

۱. تبیین انگیزه ها و اندیشه های تفسیری حسن بن محبوب و روح حاکم بر آنها؛

۲. دستیابی به مفاهیم کلان و بنیادین اندیشه تفسیری شیعه در روایات ابن محبوب؛

۱. از جمله پژوهش های معاصر که به کاربست این الگوی روشی در مطالعات حدیثی - تفسیری پرداخته اند، عبارت اند از: راد، علی و ولایتی، مریم، «گفتمان کاوی تفسیر شیعه در کوفه؛ اصبع و گفتمان امامت وصایتی»، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۹ / ۱۶۹-۲۰۳؛ راد، علی و ولایتی، مریم، «گفتمان کاوی تفسیر شیعه در کوفه؛ بازپژوهی اندیشه های تفسیری سعید بن جبیر»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۳۷ / ۱۴۱-۱۶۷؛ نصرآوی، محمد، «درآمدی برگفتمان کاوی تاریخی؛ مطالعه موردی خطبه حضرت زینب علیها السلام در شام»، صحیفه مبین، ۵۷ / ۶۹-۷۱؛ همو، «روند رویارویی گفتمان علوی و اموی؛ واکاوی کنش های زبانی پس از واقعه عاشورا»، صحیفه مبین، ۵۶ / ۱۰۷-۱۳۲؛ صیامیان گرجی، زهیر و موسوی سیانی، سعید و دالوندی، محمدباقر، «تحلیل گفتمانی میراث حدیثی شیعه؛ مبانی و نتایج مطالعه موردی: بصائر الدرجات صفار قمی»، مطالعات تاریخ اسلام، ۳۵ / ۶۳-۹۰.

۲. به منظور آشنایی بیشتر رک: راد، علی، «شیوه های بازیابی میراث مفقود اسلامی: معرفی کتاب کتب التراث بین الحوادث و الابعاث»، آینه پژوهش، ۱۰۱ / ۷۶-۸۷.

۳. چالش‌ها و خلأهای قرآن پژوهی و تفسیری عصر حسن بن محبوب؛  
 ۴. شناخت گفتمان‌های حدیثی-تفسیری متعارض با تفسیر شیعه در سده دوم و سوم.

روش تحلیل گفتمان ما در این پژوهش، پس از اعتبارسنجی و گونه‌شناسی موضوعی روایات، مبتنی بر این دو مرحله می‌باشد:

۱. بسترشناسی تاریخی و خوانش فضای صدور و نشر روایات از حیث زمانی (قرن دوم و سوم) و مکانی (بوم عراق و به‌ویژه شهر کوفه) و کشف آوای متعارض و گفتمان رقیب. دستیابی به این امر با استناد به گزارشات حدیثی و تفسیری برجای مانده از آن دوران و تحلیل گزارشات تاریخی مورخان خواهد بود.

۲. استخراج گزاره‌های هدفمند و پرتکرار زبانی در روایات تفسیری ابن محبوب و کشف تناظرگفتمانی آنها با آوای رقیب.

شایان ذکر است، با بررسی نگارنده، تنها سه پژوهش در سال‌های گذشته با رویکرد ترجمه‌نگاری و بازیابی میراث مفقود تفسیری درباره ابن محبوب به چاپ رسیده است<sup>۱</sup> و تا کنون پژوهشی با رویکرد تحلیل گفتمان، کتاب التفسیر ابن محبوب را مورد واکاوی و تحلیل قرار نداده است. در نتیجه، پژوهش حاضر از این جهت دارای نوآوری می‌باشد.

### ۱. حسن بن محبوب و روایات تفسیری وی

از جمله مفسران و راویان نامدار شیعه و مورد اعتماد ائمه در قرن دوم و سوم هجری، حسن بن محبوب بن وهب سرّاد کوفی بجلي (۱۴۹-۲۲۴ ق) است. شیخ طوسی وی را جلیل‌القدر و از ارکان اربعه زمانه خویش معرفی کرده<sup>۲</sup> و کشی

۱. بهبودی، محمدباقر، «حسن بن محبوب کوفی»، کاوشی نو در فقه، شماره ۱۱ و ۱۲؛ زارعی کربانی، محمد، «جستجویی در ترجمه حسن بن محبوب»، علوم حدیث، شماره ۶؛ راد، علی و عزیزی، سعید، «در جستجوی کتاب التفسیر حسن بن محبوب»، مشکات، شماره ۱۴۴.

۲. طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ص ۱۲۲.

او را در زمره اصحاب اجماع به شمار آورده است.<sup>۱</sup> رجالیون وی را از اصحاب امام موسی بن جعفر علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام معرفی کرده‌اند.<sup>۲</sup> برای ابن محبوب دوازده تألیف از جمله «کتاب التفسیر» گزارش شده است.<sup>۳</sup>

## ۲. استخراج داده‌های کمی و کیفی روایات تفسیری ابن محبوب

یکی از موضوعات پرتکرار در کتاب التفسیر ابن محبوب، گزاره‌های تفسیری راجع به آموزه امامت است که فراوانی آن به ۱۱۹ روایت می‌رسد. این بخش از روایات، محور تحلیل و گفتمان‌کاوی در پژوهش حاضر قرار گرفته است.

### ۲-۱. اعتبارسنجی روایات<sup>۴</sup>

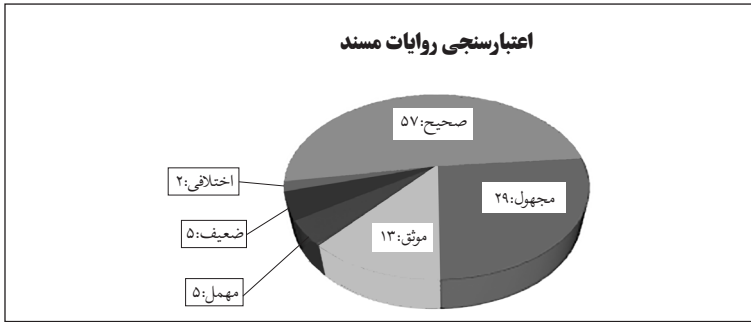
نتیجه بررسی اسناد روایات ابن محبوب، نشانگر وجود ۱۱۱ روایت مسند و هشت روایت مرسل در میان احادیث ابن محبوب می‌باشد. روایات مسند نیز به چند دسته تقسیم می‌گردند: صحیح، موثق، مجهول (مدح یا ذمی درباره یک یا چند راوی در منابع رجالی وجود ندارد)، مهمل (از یک یا چند راوی در منابع رجالی نام برده نشده است)، ضعیف (یک یا چند تن از روات، متصف به کذب، جعل، وضع یا غلو شده‌اند) و اختلافی (درباره وثاقت راوی میان علمای رجال اختلاف نظر وجود دارد).

۱. کشی، محمد بن عمر، رجال، ص ۵۵۶.

۲. برقی، احمد بن محمد، رجال، ص ۴۸ و ۵۳؛ امین، محسن، أعيان الشيعة، ۲۳۴/۵؛ خوبی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ۸۹/۵؛ تهرانی، آقابزرگ، الذريعة، ۴/۲۴۸.

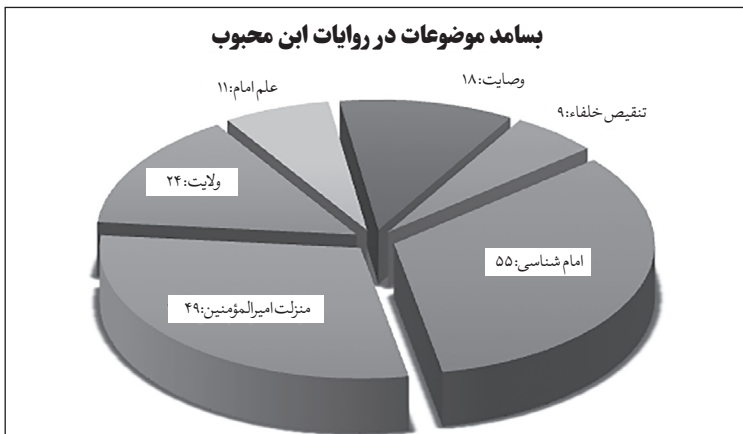
۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ۴۰۶/۱؛ طوسی، محمد بن حسن، همان.

۴. مبنای اعتبارسنجی سلسله اسناد روایات ابن محبوب، توصیفات و جرح و تعدیلی است که در منابع هشت‌گانه رجالی شیعه و معجم رجال الحديث آمده است. در مواردی که وثاقت راوی نیازمند بررسی آرای مختلف بوده، ارزیابی سندی در نرم‌افزار درایة الحديث مبنای ارزیابی این پژوهش قرار گرفته است.



## ۲-۲. گونه‌شناسی موضوعی روایات<sup>۱</sup>

بررسی متون روایات ابن محبوب نشانگر آن بود که محور سخن در آنها، بیشتر بر محور شش موضوع می‌چرخد. در نمودار ذیل بسامد این موضوعات ارائه شده است.<sup>۲</sup>



۱. با توجه به این‌که برخی از احادیث از حجم بالایی برخوردار است و در آنها نکاتی پیرامون چندین آیه بیان شده است که هریک از آنها ذیل یکی از گونه‌های موضوعی قرار می‌گیرد، در گونه‌شناسی آن روایت، همه‌جهاً لحاظ شده است و آمار ارائه شده در نمودار مربوط، از تعداد روایات منقول بیشتر است.

۲. رک: زاد، علی و عزیزی، سعید، «در جستجوی کتاب التفسیر حسن بن محبوب»، مشکات، ۱۴۴/۴۹-۷۵.

### ۳. تحلیل گفتمان تفسیری حسن بن محبوب

گزارشات تاریخی حاکی از آن است که در قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری، در ارتباط با آموزه امامت و پیشوایی مسلمانان، چندین گفتمان در جامعه اسلامی، به ویژه در شهر کوفه مطرح بوده است. معیار ما برای تفکیک گفتمان‌های مذکور، صرفاً از نگاه تقابل و تناظر هر گفتمان در برابر گفتمان رقیب بوده و ممکن است از جنبه کنشگران با دیگر اقسام هم پوشانی داشته باشد.

#### ۳-۱. گفتمان خلافت، امامت و وصایت

گزاره‌های زبانی فراوانی در روایات ابن محبوب در بازتابیدن گفتمان کلانی با عنوان امامت و وصایت اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد. این گفتمان، در رویارویی و تقابل با گفتمان امامت و خلافت انتخابی است که از سوی اهل سنت و برخی فرق زیدیه در زمانه ابن محبوب طرح می‌گردید.<sup>۱</sup> در ادامه، نخست آوای متعارض زمانه ابن محبوب و مؤلفه‌های گفتمانی آن را که در قالب نظریه خلافت انتخابی ارائه گردیده است مورد واکاوی قرار می‌دهیم و سپس رویارویی ابن محبوب با آن را به بحث خواهیم نشاند.

#### ۳-۱-۱. گفتمان خلافت و امامت انتخابی

یکی از مباحث مهم سیاسی و اعتقادی که طی قرون متمادی محل نزاع میان اندیشمندان و مفسران مسلمان واقع گردید، موضوع خلافت و پیشوایی در جامعه اسلامی بود. اکثریت اهل سنت (اعم از مرجئه و معتزله) و خوارج بر این باور بودند که تنصیبی از جانب پیامبر بر تعیین خلیفه و امام صورت نپذیرفته است و این امر از طریق اجماع و به انتخاب «اهل العقد» محقق می‌شود. در قرن دوم هجری نظریه انکار وصایت آن چنان رونق گرفت که برخی محدثان اهل سنت همچون وکیع بن جراح (م ۱۹۶ ق)<sup>۲</sup> و ابواسامه (م ۲۰۱ ق)<sup>۳</sup>، دو راوی کوفی و هم عصر ابن محبوب،

۱. رک: اشعری، علی، مقالات الاسلامیین، ۱/ ۳۴۲.

۲. وکیع بن جراح بن ملیح بن عدی رؤسی از جمله حفاظ برجسته، فقهای بزرگ و اهل فضل و کتابت در کوفه در اواخر سده دوم هجری به شمار آمده است.

۳. حماد بن اسامة بن زید قرشی، محدث نامدار کوفی در قرن دوم بوده و درباره او چنین آمده

چنین روایت کرده‌اند که شخصی از عبدالله بن ابی اوفی می‌پرسد: آیا پیامبر وصیتی داشت؟ عبدالله در پاسخ می‌گوید: خیر. وی می‌پرسد: پس چگونه پیامبر مسلمانان را به وصیت کردن امر کرد؟ عبدالله در پاسخ به او می‌گوید: پیامبر تنها به کتاب خدا سفارش نمود.<sup>۱</sup> بر پایه تحقیقات پژوهشگران معاصر، باورمندان به گفتمان انکار وصایت و تعیین وصی توسط رسول خدا ﷺ جمهور اهل سنت را شامل شده است<sup>۲</sup> و سیطره این گفتمان موجب گردید تا مفسران عامه، گزاره‌های وحیانی قرآن را در راستای تثبیت و ترویج چنین گفتمانی تفسیر نمایند.

از سوی دیگر ویژگی‌ها و صفات امام و خلیفه نزد عامه با امامیه نیز تمایز قابل توجهی پیدا کرد. اهل سنت افزون بر عقل، بلوغ، مرد بودن و آزاد بودن، به سه شرط اجتهاد و علم، عدالت و شجاعت باور داشتند. در نگاه ایشان امام و خلیفه باید نسبت به مسائل دین عالم و در آنها مجتهد باشد، تا بتواند پاسخگوی شبهات وارد شده بر دین باشد و حریم معنوی دین را حراست و حفاظت نماید. از سوی دیگر معتقد بودند امام باید عادل باشد؛ چراکه شخص فاسق و فاجر قابلیت نیابت از پیامبر معصوم را ندارد. همچنین لزوم شجاعت امام نیز از دیگر شروط امام نزد عامه دانسته شده است تا در مواقع خطر بتواند حافظ مرز و بوم جامعه اسلامی باشد و قدرت تصمیم‌گیری برای تجهیز لشکر و قیادت آن را داشته باشد.<sup>۳</sup>

در مقابل این گفتمان، امامیه معتقد بود امامت و خلافت تنها از سوی خداوند و از طریق نص و تعیین پیامبر و امامان بعد از ایشان صورت پذیرفته و این مسئله

است: «ثقة كان أعلم الناس بأمر الناس وأخبار أهل الكوفة» ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ۳/۲-۳.

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۳۲/۱۵۱-۱۵۲؛ ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، ۲/۹۰۰؛ ابوعوانه، یعقوب بن اسحاق، المستخرج، ۳/۴۷۵.

۲. ر.ک: صداقت ثمر حسینی، کامیار، «وصایای پیامبر اکرم ﷺ درباره جانشین بلا فصل خود و نقد نظریه انکار وصایت»، پژوهشنامه علوی، ۲/۸۶-۸۹.

۳. ر.ک: حسینی میلانی، علی، جانشین پیامبر کیست؟، ص ۷۱-۷۲؛ همو، جواهر الکلام، ۲/۱۱-۱۲.



توقیفی و الهی است و ارتباطی با انتخاب و اجماع مسلمانان ندارد.<sup>۱</sup> به همین دلیل امامت نزد امامیه دارای جایگاهی خاص بوده که مستلزم شئون و ویژگی‌هایی از قبیل ولایت، عصمت، علم و دانش ویژه الهی و معجزه (کرامت) است.<sup>۲</sup>

شایان ذکر است، گرچه کوفیان در ادوار مختلف، میان تاریخ‌نگاران به تشیع شهرت فراوانی دارند و بر نفوذ اجتماعی شیعیان در این شهر تأکید شده است، اما باید توجه داشت که جمعیت کوفه در سده دوم و سوم هجری ترکیبی از شیعیان، اهل سنت، پیروان دیگر مذاهب و حتی ملحدان بوده است.<sup>۳</sup> ابن سعد (م ۲۳۰ ق) در کتاب طبقات خویش از ۱۸۴ محدث نام می‌برد که هم‌زمان با ابن محبوب در کوفه می‌زیسته‌اند و اکثر آنها از اهل سنت به شمار می‌آیند.<sup>۴</sup> در میان ایشان افراد شهرت یافته‌ای همچون سفیان ثوری (م ۱۶۱ ق)،<sup>۵</sup> شریک بن عبدالله نخعی (م ۱۷۷ ق)،<sup>۶</sup> وکیع بن جراح (م ۱۹۶ ق) و سفیان بن عیینه (م ۱۹۸ ق)<sup>۷</sup> قابل مشاهده‌اند.<sup>۸</sup> هم‌چنین نزدیک به دوران حیات ابن محبوب یا هم‌زمان با آن،

۱. رک: اشعری، علی، مقالات الاسلامیین، ۱/ ۴۵۵-۴۵۹؛ مشکور، محمدجواد، مقدمه فرق نوبختی، ص ۲۰-۲۲.

۲. رک: حسینی میلانی، علی، همان، ۲/ ۲۱؛ اسداف، توفیق، امامت و ولایت نزد فریقین، ۲۷/ ۳۰-۳۳.

۳. رک: رجیبی دوانی، محمدحسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، ص ۴۵۱؛ پاکتچی، احمد، «حوزه‌های کم‌شناخته و متقدم حدیث و معارف امامیه در عراق، شام و مصر»، صحیفه مبین، ۵۲/ ۱۳۰.

۴. رک: ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، ۶/ ۳۵۰-۳۷۸.

۵. ابوعبدالله سفیان بن سعید بن مسروق بن حبیب بن رافع ثوری عالم، فقیه، محدث و مفسر قرن دوم هجری در شهر کوفه بوده است.

۶. ابوعبدالله شریک بن عبدالله بن سنان نخعی، فقیه، محدث و قاضی نامدار شهر کوفه در قرن دوم هجری به شمار آمده است.

۷. ابومحمد، سفیان بن عیینه بن میمون هلالی، محدث و فقیه کوفی در نیمه دوم قرن دوم هجری می‌باشد.

۸. هم‌چنین در سده دوم، آگاهی‌هایی از وجود یک اقلیت معتقد به قدر در کوفه هست که در مورد امامت، ضمن تأکید بر امامت شیخین، امامت عثمان را تنها پیش از احداث، و

مفسران و قرآن پژوهان نامداری از اهل سنت نیز همچون مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ ق)،<sup>۱</sup> سفیان ثوری (م ۱۶۱ ق)، ابن وهب (م ۱۹۷ ق)،<sup>۲</sup> یحیی بن سلام (م ۲۰۱ ق)،<sup>۳</sup> معمر بن مثنی (م ۲۱۰ ق)<sup>۴</sup> و عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱ ق)<sup>۵</sup> زیست می نمودند، که برخی از ایشان همچون سفیان ثوری در کوفه حضور داشتند.

با توجه به قرائن و شواهد تاریخی، چنین به دست می آید که گفتمان امامت و خلافت نزد اهل سنت، در سده های نخستین بر پایه سه مؤلفه استوار بوده است:

۱. وصیت و سفارش پیامبر ﷺ به امت درباره عمل به آیین اسلام و آموزه های قرآن بوده و ایشان نسبت به تعیین جانشین و وصی پس از خویش اقدامی ننموده است.

۲. انتخاب خلیفه و امام به عهده مردم است و این امر، فاقد تنصیصی از سوی خداوند می باشد.

۳. صلاحیت امام با وجود شرایطی از قبیل اجتهاد، عدالت و شجاعت، قابل احراز می باشد.

امامت حضرت علی علیه السلام را تا پذیرش تحکیم پذیرا بودند (اشعری، علی، همان، ۱/۱۷۱؛ شهرستانی، محمد، الملل والنحل، ۱/۱۲۲).

۱. ابوالحسن، مقاتل بن سلیمان بن بشیر از دی مروزی بلخی، از مفسران و محدثان مشهور قرن دوم هجری در بصره و بغداد بوده و ابن محبوب از وی نقل حدیث نموده است. درباره مذهب وی میان رجالیان اختلاف است که زیدی و از شاخه بتریه بوده است یا عامی و از اهل سنت (ر.ک: حلی، حسن بن یوسف، الخلاصة، ص ۲۶۰؛ خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ۱۸/۳۱۱).

۲. ابومحمد، عبدالله بن وهب بن مسلم مصری قرشی، از محدثان و مفسران صاحب تفسیر در قرن دوم هجری به شمار آمده است.

۳. ابوزکریا، یحیی بن سلام بن ابی ثعلبه بصری، محدث و مفسر قرن دوم در مصر بود. سفیان بن عیینه وی را شیخ اهل مصر نامیده است (ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، ۹/۲۳۳).

۴. أبو عبیده، معمر بن مثنی ثقفی (۱۱۴-۲۱۰ ق)، مفسر، راوی و لغت شناس بزرگ اوایل عصر عباسی در بصره است.

۵. ابوبکر، عبدالرزاق بن همام بن نافع حمیری یمانی صنعانی، عالم، مفسر، محدث و از بزرگان صاحب تفسیر اهل تسنن در یمن بود (ذهبی، محمد، میزان الاعتدال، ۲/۶۰۹).

هم‌چنین شایان ذکر است، میان انشعابات زیدیه<sup>۱</sup> نیز در قرن دوم درباره امامت و خلافت، اختلافات شدیدی رخ داد. شواهد تاریخی متعددی بوجود رهبران و پیروان زیدیه در کوفه، دست‌کم در قرن دوم دلالت دارد.<sup>۲</sup> جارودیه، براین باور بود که پیامبر، علی علیه السلام را با نام و نشان به عنوان امام به مردم معرفی نکرده است؛ بلکه اوصاف امام برحق را بیان کرده و این اوصاف تنها بر علی علیه السلام منطبق است. سلیمانیه معتقد است امام به وسیله شورا و توسط مردم انتخاب می‌شود و مردم می‌توانند فرد افضل را کنار گذاشته، فرد مفضول را انتخاب کنند. از این رو، خلافت ابوبکر و عمر صحیح است. صالحیه و بتریه نیز امامت مفضول را قبول داشتند. آنان درباره خلافت ابوبکر و عمر معتقد بودند، گرچه علی علیه السلام چون افضل مردم بود، به خلافت سزاوارتر است، اما به خاطر این‌که با رضایت خود، خلافت را به آن دو تن واگذار کرد، لذا خلافت آن دو صحیح است.<sup>۳</sup>

### ۳-۱-۲. گفتمان وصایت و امام‌شناسی

بخش قابل توجهی از روایات تفسیری ابن محبوب، در بردارنده واژگان پرتکراری

۱. نظریه امامت زیدیه مبتنی بر پذیرش نص خفی بر امامت علی علیه السلام و نص جلی بر امامت حسنین علیهم السلام است؛ ولی در امامت بعد از امام حسین علیه السلام قائل به نص نیستند و براین باورند که هر فرد فاطمی که قیام به شمشیر کند و دعوت به خود کند، امام واجب الطاعه است (نویختی، حسن، ترجمه فرق الشیعه نویختی، ص ۷۵ و ۹۰؛ فرمانیان، مهدی، آشنایی با فرق تشیع، ص ۱۰۶).

۲. زیاد بن منذر معروف به ابوالجارود، در قرن دوم در کوفه می‌زیسته و حسن بن محبوب از وی نقل حدیث کرده است (خویی، ابوالقاسم، همان، ۲۱/ ۷۷). درباره حسن بن صالح (م ۱۶۸ ق) که فرقه صالحیه منسوب به وی می‌باشد، گفته شده است که اهل کوفه بوده و در این شهر مجالس املا و محافل نقل حدیث داشته است (رحمان ستایش، محمدکاظم و فرجامی، اعظم، «واکاوی مذهب و روایات حسن بن صالح در کتب امامیه»، مطالعات قرآن و حدیث، ۱/ ۵۸). ابن محبوب نیز از وی اخذ حدیث داشته است و راوی کتاب او می‌باشد (خویی، ابوالقاسم، همان، ۴/ ۳۶۱-۳۶۴).

۳. رک: اشعری، علی، مقالات الاسلامیین، ۱/ ۶۶-۶۹ و ۴۵۵-۴۵۹.

همچون «امام، ائمه، وصی، اوصیا و اهل البیت» می باشد و میان این واژگان و آیات قرآن کریم ارتباط معنایی خاصی شکل گرفته است. فراوانی این گزاره‌ها به ۵۹ مورد درباره‌ی شناخت امام و هجده مورد پیرامون آموزه‌ی وصایت می‌رسد. بازتاب چنین روایاتی را می‌توان به عنوان کنش و اقدام هدفمندی از سوی این راوی در جهت تقویت و تثبیت گفتمان شیعه بنیان جایگاه امامت و وصایت اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن دانست. این گفتمان، با بهره‌گیری فراوان از گزاره‌های وحیانی قرآن کریم، در صدد ارائه‌ی نظریه‌ی اختصاصی بودن مقام امامت و وصایت به عترت نبوی علیهم‌السلام بوده و امامت را جایگاهی ویژه و الهی دانسته که دارای شئون قدسی متعددی است. در ادامه به بررسی مؤلفه‌های این بخش از گفتمان تفسیری ابن محبوب می‌پردازیم. لازم به ذکر است، با توجه به حجم انبوه روایات، تنها به ذکر نمونه‌هایی از آنها بسنده نموده‌ایم و خواننده را به دیگر موارد، ارجاع می‌دهیم.

### ۱-۲-۳-۱. مؤلفه اول: انتصابی بودن مقام امامت از جانب پروردگار

در بخش قابل توجهی از گزاره‌های تفسیری بازتابیده توسط ابن محبوب، بر تعیین و انتصاب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به عنوان امام و ولی از سوی پروردگار تصریح و تأکید شده و میان آیات متعددی از کلام وحی و چنین آموزه‌ای، ارتباط وثیق و تنگاتنگ ایجاد شده است. در حالی که گفتمان رقیب بر پایه‌ی انکار نظریه‌ی الهی بودن نصب امام و باورمندی به گفتمان امامت انتخابی، از باز نشر چنین ارتباط وثیقی میان آیات قرآن و عترت خودداری نموده‌اند. نمونه‌هایی از تقابل آوایی این بخش از روایات را در جدول ذیل می‌توان مشاهده نمود.<sup>۱</sup>

۱. شایان ذکر است، بر اساس بررسی‌های متعدد نگارنده، تفاسیر برجای مانده از اهل سنت در دوران حیات ابن محبوب همچون تفسیر سفیان ثوری، تفسیر ابن وهب، تفسیر یحیی بن سلام و تفسیر عبدالرزاق صنعانی، در تفسیر آیات متعددی که ابن محبوب ذیل آنها روایت نقل کرده است، فاقد گزارش حدیثی هستند.

آیه قرآن	راوی- مفسر	تفسیر
﴿قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾ * قُلْ إِنِّي لَنْ يَجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا * إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ﴾ (جن: ۲۱-۲۳)	ابن محبوب	ابلاغ ولایت امام علی <small>عليه السلام</small> از سوی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> ، الهی بودن مسئله امامت و ولایت و امتناع قریش از پذیرش آن. <sup>۱</sup>
	مقاتل بن سلیمان	وظیفه و رسالت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> ابلاغ دین و توحید است. <sup>۲</sup>
﴿تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (حاقه: ۴۳)	ابن محبوب	نزول قرآن توأمان با نزول ولایت است و ولایت و امامت علی <small>عليه السلام</small> از جانب خداوند نازل شده است. <sup>۳</sup>
	مقاتل بن سلیمان، احمد بن حنبل <sup>۴</sup>	نزول آیات قرآن از جانب پروردگار است <sup>۵</sup> (آیه تنها به مسئله نزول کلام وحی پرداخته و اشاره‌ای به مسئله ولایت ندارد).

در بخش دیگری از روایات ابن محبوب، سخن از عهد و پیمان انسان‌ها با خداوند در عالمی پیش از دنیا که به آن «عالم ذر» یا «روز میثاق» گفته می‌شود، به میان آمده است. مفاد این روایات دلالت بر آن دارد که در چنین روزی خداوند، پس از اخذ میثاق توحید، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیتش را به مردم معرفی کرده، بر امامت و ولایت ایشان تأکید نموده، از همه بنی آدم به ولایت

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲/ ۴۱۴.

۲. مقاتل بن سلیمان، تفسیر، ۴/ ۴۶۵.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/ ۴۱۳.

۴. احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ ق) محدث، فقیه سرشناس و یکی از بزرگان مدرسه حدیثی اهل سنت در بغداد در قرن دوم و سوم بوده است و قریب به شصت سال از دوران حیاتش مصادف با عصر زندگانی ابن محبوب بوده است

۵. مقاتل بن سلیمان، همان، ۴/ ۴۲۵.

۶. این روایات ذیل آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ سوره اعراف، آیه ۲ سوره تغابن و آیه ۳۰ سوره محمد گزارش شده‌اند.

و اطاعت از ایشان اقرار گرفته و فرشتگان را گواه بر این واقعہ قرار داده است.<sup>۱</sup> مسئله اخذ پیمان ولایت اهل بیت علیهم السلام در عالم میثاق، از جمله آموزه‌های شیعه بنیان بوده که در روایات تفسیری ابن محبوب، بازتاب یافته است و میراث تفسیری بازمانده عامه در دوره حیات ابن محبوب همچون تفسیر مقاتل بن سلیمان، تفسیر یحیی بن سلام و تفسیر عبدالرزاق صنعانی، فاقد چنین آموزه‌ای است. رویکرد مفسران و محدثان عامه در تبیین این آیات، تنها ناظر به پیمان یکتاپرستی است.<sup>۲</sup>

### ۳-۲-۱-۲. مؤلفه دوم: اختصاص مقام امامت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

بخش دوم روایات ابن محبوب، دلالت بر انحصار و اختصاص جایگاه امامت و رهبری امت اسلام به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا روز قیامت دارد. در این روایات، ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان پیشوایان منصوب الهی، از سلاله پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده‌اند و بر این نکته تأکید شده است که تنها ایشان، شایستگی و صلاحیت امامت و رهبری مردم را دارند. برخلاف گفتمان رقیب که مقام امامت را مختص اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌دانستند و در این باره، نظریه انحصاری بودن آن را بر نمی‌تافتند. نمونه‌هایی از تقابل آوایی این بخش از روایات را در جدول ذیل می‌توان مشاهده نمود.

۱. رک: صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۹۰/۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳۲۵/۲، ۴۱۳/۲؛ طوسی، محمد بن حسن، امالی، ص ۲۳۲.  
۲. رک: مقاتل بن سلیمان، همان، ۷۲/۲، ۳۵۱/۴؛ تیمی، یحیی بن سلام، تفسیر، ۶۵۵/۲؛ صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر القرآن العزیز، ۲۲۶-۲۲۷.

آیات قرآن	راوی- مفسر	تفسیر آیه
﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ﴾ (اسراء: ۷۱)	ابن محبوب	منظور از امام، پیشوایانی از اهل بیت رسول خدا ﷺ هستند که از جانب خدا بر مردم منصوب خواهند شد. <sup>۱</sup>
	مقاتل بن سلیمان	منظور از امام، کتاب اعمال هرامت است که اعمال خیر و شر در آن ثبت شده است. <sup>۲</sup>
	سفیان ثوری	منظور، پیشوای هدایت یا گمراهی است. <sup>۳</sup>
	یحیی بن سلام	منظور، کتاب اعمال امت است یا پیامبر اکرم ﷺ. <sup>۴</sup>
	معمر بن مثنی	مراد کسی است که مردم به او اقتدا نمودند و او را پیشوای خود قرار دادند یا مقصود کتاب اعمال است. <sup>۵</sup>
	عبدالرزاق صنعانی	منظور تبیین و روشنگری (اعمال) امت است. <sup>۶</sup>
	احمد بن حنبل	کتاب اعمال مراد است. <sup>۷</sup>
﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾ (تغابن: ۸)	ابن محبوب	یکی از مصادیق نور الهی، امامان از آل محمد ﷺ تا روز قیامت است. <sup>۸</sup>
	مقاتل بن سلیمان	منظور از نور، قرآنی است که بر پیامبر نازل گردیده است. <sup>۹</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۵۳۵؛ برقی، احمد بن محمد، محاسن، ۱/ ۱۵۵. عبارت «سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ عَلَى النَّاسِ مِنْ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» در این روایت دلالت بر اختصاص مقام امامت به اهل بیت پیامبر ﷺ دارد؛ چنانچه قید «مِنْ اللَّهِ» نیز دال بر انتصاب ایشان به عنوان امام از سوی پروردگار است.

۲. مقاتل بن سلیمان، تفسیر، ۲/ ۵۴۲.

۳. ثوری، ابو عبد الله، تفسیر، ص ۱۰۵.

۴. یحیی بن سلام، همان، ۱/ ۱۵۰، ۲/ ۶۰۷.

۵. ابو عبیده، معمر بن مثنی، مجاز القرآن، ۱/ ۳۸۶.

۶. صنعانی، عبدالرزاق، همان، ۱/ ۳۲۵.

۷. ابن حنبل، احمد بن محمد، الجامع لعلوم الإمام أحمد، ۱۳/ ۴۷۱.

۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۲/ ۳۷۱.

۹. مقاتل بن سلیمان، همان، ۴/ ۳۵۲.

### ۳-۲-۱-۳. مؤلفه سوم: نگره وصایت و جانشینی

بخش سوم روایات ابن محبوب، در بردارنده گزاره‌های کلامی ای است که نظریه وصایت و جانشینی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را بازتاب می‌دهند. روایاتی که ابن محبوب در این باره گزارش نموده، بیانگر این نکته‌اند که مفهوم وصایت با امامت از حیث مفهومی تمایز دارند. استعمال واژگان «وصی و اوصیا» در این روایات حاکی از آن است که هر پیامبری از جمله رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از خویش، برای امتش وصی و جانشینی معرفی نموده، میراث نبوت خویش را در اختیار او قرار داده است و مسئولیت تبلیغ دین و هدایت امت بعد از ایشان به عهده وصیش بوده است. از این رو مقام وصایت مربوط به جانشینان همه پیامبران الهی می‌گردد؛<sup>۱</sup> برخلاف مقام امامت که جایگاهی ممتاز و ویژه است که دارای شئون و کارکردهای خاصی است و در اکثر قریب به اتفاق آنها، ناظر به جایگاه ویژه دوازده وصی و جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله است. با توجه به این روایات، چنین به دست می‌آید که نگره وجود وصی در طول تاریخ برای پیامبران الهی به ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد امامیه امری مسلم و قطعی بوده و آیات متعددی از قرآن، بیانگر اوصاف و جایگاه ایشان می‌باشند.<sup>۲</sup> نمونه‌هایی از تقابل آوایی این بخش از روایات را در جدول ذیل می‌توان مشاهده نمود.

۱. رک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۵/ ۲۷۵-۲۸۹.

۲. برای مشاهده موارد دیگر رک: قمی، علی بن ابراهیم، همان، ۲/ ۲۲۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/ ۴۰۲، ۴۱۳-۴۲۱، ۴۲۶؛ صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ۱/ ۲۷۶؛ طوسی، محمد بن حسن، امالی، ص ۲۳۲؛ استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۰۵، ۷۱۴، ۸۲۱.



آیات قرآن	راوی - مفسر	تفسیر آیه
﴿يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَا ذَا أَحْبَبْتُمْ﴾ (مائده: ۱۰۹)	ابن محبوب	سؤال خداوند از رسولان خویش در روز قیامت درباره رفتار مردم با اوصیای ایشان. <sup>۱</sup>
	مقاتل بن سلیمان	سؤال خداوند از رسولان خویش در روز قیامت درباره توحید. <sup>۲</sup>
	سفیان ثوری، یحیی بن سلام و عبدالرزاق صنعانی	اشاره ای به مسئول عنه نگردیده و فقط به معنای ظاهر آیه بسنده شده است. <sup>۳</sup>
﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿آل عمران: ۳۳-۳۴﴾	ابن محبوب	اهل بیت پیامبر به عنوان مصادیق برگزیدگان از نسل پیامبران پیشین و فرزندان آنان و اوصیای پیامبر ﷺ معرفی شده اند. <sup>۴</sup>
	مقاتل بن سلیمان	مقصود، پیامبران الهی است. <sup>۵</sup>

### ۳-۲-۱-۴. مؤلفه چهارم: منزلت و جایگاه امام و امامت

چهارمین مؤلفه گفتمان تفسیری ابن محبوب که بالاترین بسامد را از لحاظ کنش های زبانی به خود اختصاص داده است، ناظر به معرفی جایگاه امامت، منزلت، شئون، اوصاف و ویژگی های امام در میان آیات قرآن کریم می باشد. بازتاب ۵۵ گزاره تفسیری از سوی ابن محبوب، نشانگر اهتمام این راوی به گزارش و انتقال روایاتی است که نگره امام شناسی قرآنی را تبیین می نمایند. این روایات شخصیت امام و اوصاف ایشان را از زوایای مختلفی همچون

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۱/ ۱۹۰؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱۵/ ۷۵۰.

۲. مقاتل بن سلیمان، تفسیر، ۱/ ۵۱۴-۵۱۵.

۳. سفیان ثوری، ابو عبدالله، تفسیر، ص ۱۰۵؛ تیمی، یحیی بن سلام، تفسیر، ۲/ ۷۰۲؛ صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر القرآن العزیز، ۱/ ۱۹۵.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۵/ ۲۸۸.

۵. مقاتل بن سلیمان، همان، ۱/ ۲۷۱.

منزلت معنوی امام، هدایت یافتگی واقعی و عصمت امام، تابعیت محض از اوامر الهی و پیروی حقیقی از پیامبر اکرم ﷺ، نشانه‌های بارز پروردگار بر روی زمین، تنها مسیر سعادت و رستگاری انسان، بهره‌مندی امام از فضائل اخلاقی و جایگاه امام در روز رستاخیز بیان نموده‌اند.<sup>۱</sup> نمونه‌هایی از تقابل آوایی این بخش از روایات را در جدول ذیل می‌توان مشاهده نمود.

آیات مربوط	مفسر-محدث	تفسیر آیه
﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ (قصص: ۸۸)	ابن محبوب	امام «وجه الله» و مظهر و آینه کامل اسما و صفات الهی است. <sup>۲</sup>
	مقاتل بن سلیمان، معمر بن مثنی، فراء <sup>۳</sup>	مقصود از وجه، ذات باری تعالی است. <sup>۴</sup>
	سفیان ثوری	منظور از وجه پروردگار، شکل و صورت نیست. <sup>۵</sup>
﴿وَاللَّهُ مُبِئٌ نُورِهِ﴾ (صف: ۸) ﴿فَأَمِينُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أُنزِلْنَا﴾ (تغابن: ۸)	ابن محبوب	امام نور خداوند و عنصر روشنی بخش و هدایتگر انسان‌ها است. <sup>۶</sup>

۱. برای مشاهده موارد دیگر رک: قمی، علی بن ابراهیم، همان، ۲/ ۲۷۷، ۳۷۱؛ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر، ۱/ ۲۴۰؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/ ۴۱۳، ۴۰۸، ۴۲۰ - ۴۲۱، ۴۲۶، ۳۷۱ و ۱۵/ ۵۵۶؛ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۱/ ۳۰؛ استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة، ص ۴۰۴.
۲. صفار محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۱/ ۶۵؛ استرآبادی، علی، همان، ص ۴۱۷.
۳. ابوزکریا، یحیی بن زیاد معروف به فراء (م ۲۰۳ ق)، از مفسران قرن دوم و اوایل قرن سوم در شهر کوفه و صاحب تفسیر معانی القرآن است.
۴. مقاتل بن سلیمان، همان، ۳/ ۳۶۰؛ ابو عبیده، معمر بن مثنی، مجاز القرآن، ۲/ ۱۱۲؛ فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، ۲/ ۳۱۴.
۵. سفیان ثوری، ابو عبد الله، همان، ص ۲۳۴.
۶. قمی، علی بن ابراهیم، همان، ۲/ ۳۷۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/ ۴۱۳.

مقاتل بن سلیمان، صنعانی	نور خدا، همان دین او است. <sup>۱</sup>	
ابن وهب	نور خدا قرآن است. <sup>۲</sup>	
ابن محبوب	امامان <small>عليهم السلام</small> نشانه و علامت های هدایت انسان ها هستند. <sup>۳</sup>	﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ (نحل: ۱۶)
مقاتل بن سلیمان، صنعانی	مقصود از علامات، کوه ها است. <sup>۴</sup>	
سفیان ثوری	مقصود، برخی از ستارگان است. <sup>۵</sup>	
یحیی بن سلام	نشانه هایی که خداوند در راه ها قرار داده و مردم به وسیله آنها راه را می شناسند. <sup>۶</sup>	

این بخش از کنش های زبانی روایات ابن محبوب، با تعیین مصادیق حقیقی آیات و تبیین بطون آنها، در صدد ارائه فهم صحیحی از آنها بوده و به تشریح جایگاه و ویژگی های خاص اهل بیت پیامبر عليهم السلام در آیات قرآن به عنوان پیشوایان الهی توجه دارند. باهم آیی واژگان امام و اهل البیت با گزاره های توصیفی قرآنی، ارتباط تنگاتنگ و وثیقی را میان عترت و کتاب الله ایجاد کرده است که نشان از هم سو بودن مسیر هدایتی امام و قرآن و توحیدی بودن آن دارد. توجه به این روایات در کنار حدیثی دیگر که در آن از نزول یک سوم آیات قرآن درباره اهل بیت و دشمنانشان خبر داده،<sup>۷</sup> ما را بدین سوره نمون می سازد که ابن محبوب، در

۱. مقاتل بن سلیمان، تفسیر، ۴ / ۳۱۶.

۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ۲۸ / ۵۷.

۳. طوسی، محمد بن حسن، امالی، ص ۱۶۳.

۴. مقاتل بن سلیمان، همان، ۲ / ۴۶۲؛ صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر القرآن العزیز، ۱ / ۳۰۶.

۵. طبری، محمد بن جریر، همان، ۱۴ / ۶۳.

۶. تیمی، یحیی بن سلام، تفسیر، ۱ / ۵۵.

۷. رک: کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۴ / ۶۵۹.

راستای تثبیت و تداوم گفتمان امام‌شناسی قرآنی و پیوند آموزه امامت و آیات وحی، نقش فعالی داشته است.

### ۲-۳. گفتمان تفضیل

گزاره‌های کلامی متعددی در روایات تفسیری ابن‌محبوب که بیانگر منزلت قرآنی امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشند، ما را به سوی دومین مؤلفه کلان گفتمان تفسیری ابن‌محبوب رهنمون می‌سازد. این گفتمان پیرامون مسئله تفضیل و برتری میان خلفای سه‌گانه و امیرالمؤمنین علیه السلام شکل گرفته و در دو جبهه رقیب کنشگری می‌نموده است.

### ۱-۲-۳. گفتمان تفضیل خلفا

به دنبال وقوع اختلافاتی که در مسئله خلافت و امامت میان فرق مختلف اسلامی پیدا گردید، گفتمان دیگری درباره حقانیت، تقدم و تفضیل خلفای سه‌گانه و امام علی علیه السلام در قرون نخست شکل گرفت. این تقابل گفتمانی در قرون بعدی نیز به قوت خود باقی بود و بازتاب‌های اجتماعی خویش را به همراه داشت. مجموع آن‌چه از عقاید مکتب حنفیان اهل سنت و جماعت پیش از میانه سده سوم شناخته شده، اقراریه‌هایی است که در آن، اندیشه‌هایی چون تفضیل «شیخین» مطرح گردیده است. در کتاب «الوصیة» منسوب به ابوحنیفه نیز نظریه ترتیب فضل خلفای اربعه به ترتیب خلافت ایشان قابل پی‌جویی می‌باشد. اشعری درباره اختلاف مسلمانان پیرامون تفضیل خلفا، گزارش داده که عده‌ای بر این باور بودند که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برترین مردم به ترتیب ابوبکر، عمر، علی علیه السلام و عثمان بودند. برخی نیز می‌گفتند، علی علیه السلام افضل امت بعد از ابوبکر، عمر و عثمان است.<sup>۱</sup> پاره‌ای از گزارشات حدیثی اهل سنت نیز وجود گفتمان تفضیل خلفا بر امام علی علیه السلام را در عصر حیات ابن‌محبوب و در زیستگاه وی تأیید می‌کند.<sup>۲</sup>

۱. اشعری، علی، مقالات الاسلامیین، ۱/ ۳۴۱.

۲. در این باره ابن‌جعده (م ۲۳۰ ق) و ابن‌ابی‌شبیبه (م ۲۳۵ ق) از شریک بن عبدالله نخعی (م ۱۷۷ ق) که از بزرگان شهر کوفه به شمار آمده و تقریباً هم‌عصر ابن‌محبوب بوده است، روایتی را منسوب

### ۳-۲-۲. گفتمان فضائل امام علی علیه السلام و تنقیص خلفا در قرآن

دومین مؤلفه کلان گفتمان تفسیری ابن محبوب را می توان مربوط به بازتاب فضایل و ویژگی های پیشوای نخست شیعیان، علی علیه السلام و نکوهش و تنقیص خلفای جور در قرآن دانست. مؤلفه های این گفتمان که در رویارویی با آوای متعارض برتری خلفا بر امام علی علیه السلام است را در دو محور ذیل می توان رهگیری نمود:

#### ۳-۲-۲-۱. منزلت و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن

در میان احادیث تفسیری ابن محبوب، ۴۹ کنش زبانی در صدد تبیین مصداق و انطباق آیات متعدد قرآن به امام علی علیه السلام و پیوند میان بطن و تأویل آیات با منزلت ایشان می باشد. در ادامه، به نمونه هایی از این گزاره ها و روایات آوای متعارض اشاره می گردد.<sup>۱</sup>

آیه مربوط	مفسر-محدث	مدالیل روایت
﴿أَمَّنْ يَمِثِّي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (ملک: ۲۲)	ابن محبوب	علی <small>علیه السلام</small> صراط مستقیم و راه استوار الهی است. <sup>۲</sup>
	مقاتل بن سلیمان	صراط مستقیم، طریق اسلام است. <sup>۳</sup>
	صنعانی	صراط مستقیم، اطاعت از خدا است. <sup>۴</sup>

به امام علی علیه السلام گزارش داده اند که ایشان، ابوبکر و عمر را از خود برتر دانسته است (ابن جعد، علی، مسند، ص ۳۱۱؛ ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، کتاب المصنف، ۶/ ۳۵۱).

۱. برای مشاهده موارد دیگر رک: قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۱/ ۱۹۹، ۳۶۵ و ۲/ ۶۴، ۲۴۴، ۲۶۲، ۲۷۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۳۲۵ و ۲/ ۲۷۹، ۴۱۳، ۴۲۰، ۴۲۶ و ۱۵/ ۲۷۵، ۵۱۳، ۷۵۰؛ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۲/ ۶۴۱؛ همو، علل الشرایع، ۱/ ۲۷۶؛ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۱/ ۷۳؛ طوسی، محمد بن حسن، امالی، ص ۱۲۴، ۲۳۲؛ نعمانی، محمد، الغیبه، ص ۲۶۰؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۲/ ۱۷۴؛ استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۰۵، ۶۳۸، ۶۹۵، ۷۱۴، ۷۲۷، ۷۴۸.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/ ۴۱۳.

۳. مقاتل بن سلیمان، تفسیر، ۴/ ۳۹۳.

۴. صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر القرآن العزیز، ۲/ ۲۴۴.

﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (رعد: ۷)	ابن محبوب	علی <small>ؑ</small> هدایتگر است، اصل دین، پرچم ایمان و غایت هدایت است. <sup>۱</sup>
	مقاتل بن سلیمان	هدایتگر هرامتی، پیامبرشان است. <sup>۲</sup>
	سفیان ثوری	مقصود از هدایتگر هرامت، خدا، پیامبران الهی، رسول خاتم <small>ﷺ</small> و دعوت‌کنندگان به هدایت یا ضلالت است. <sup>۳</sup>
	فراء	منظور، پیامبر خدا است یا هدایتگرانی که مردم، به حق یا باطل از آنها پیروی می‌کنند. <sup>۴</sup>
	صنعانی	مراد پیامبری است که به خدا دعوت می‌کند. <sup>۵</sup>
	احمد بن حنبل	منظور مردی از بنی هاشم است. <sup>۶</sup>
﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾ (آل عمران: ۱۰۳)	ابن محبوب	علی <small>ؑ</small> همان ریسمان الهی است. <sup>۷</sup>
	مقاتل بن سلیمان	حبل الله، دین خدا است. <sup>۸</sup>
	سعید بن منصور	ریسمان الهی، قرآن است. <sup>۹</sup>
	صنعانی	حبل الله، همان عهد و فرمان الهی است. <sup>۱۱</sup>

۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۱/ ۳۰.

۲. مقاتل بن سلیمان، همان، ۴/ ۳۶۸.

۳. سفیان ثوری، ابوعبدالله، تفسیر، ص ۱۵۱.

۴. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، ۲/ ۵۹.

۵. صنعانی، عبدالرزاق، همان، ۱/ ۲۸۹.

۶. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۲/ ۳۰۶.

۷. نعمانی، محمد، همان، ص ۴۲.

۸. مقاتل بن سلیمان، همان، ۱/ ۲۹۳.

۹. ابوعثمان سعید بن منصور بن شعبه (م ۲۲۷ ق)، معروف به شیخ الحرم، صاحب کتاب السنن، فقیه و محدث قرن دوم و سوم هجری در مکه است (رک: ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، ۱۰/ ۵۸۶).

۱۰. سعید بن منصور این روایت را از استاد حدیثی خود سفیان بن عیینه (م ۱۹۸ ق) که محدث کوفی است، اخذ و گزارش نموده است (رک: سعید بن منصور، ابوعثمان، التفسیر من سنن سعید بن منصور، ۳/ ۱۰۸۳).

۱۱. صنعانی، عبدالرزاق، همان، ۱/ ۱۳۴.

بخش دیگری از روایات این بخش، با اشتغال بر عباراتی نظیر «نزلت فی علی» و بیان وقایع پیش از نزول و هم‌زمان با آن، داده‌هایی را پیرامون فضای نزول آیات وحی و شأن نزول آنها درباره امیرالمؤمنین علیه السلام ارائه می‌دهند.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۲. تنقیص خلفا

دومین محور سخن در روایات ابن‌محبوب در این بخش، ناظر به معرفی جایگاه غاصبان حق امیرالمؤمنین علیه السلام و نکوهش و ذم آنان بر اساس مفاد برخی آیات قرآن است. بازتاب نه روایت تفسیری که در آنها تأکید بر عدم حقانیت خلفای سه‌گانه شده و آنان را به عنوان پیشوایان گمراهی و امامان جائز توصیف نموده، کنشی است از سوی ابن‌محبوب در راستای ترویج و استوارسازی گفتمان تنقیص خلفا. در این روایات به جای تصریح به نام خلفا، غالباً تعابیر کنایه‌ای به کار برده شده است که در نمونه‌های ذیل قابل مشاهده است:

ابن‌محبوب در روایتی با سند موثق از عمار سابطی نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خدا: ﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ﴾<sup>۲</sup> سؤال پرسیدم. حضرت فرمودند: این آیه درباره ابوالفضیل<sup>۳</sup> و عقیده ناروای وی نازل شده است.<sup>۴</sup> در روایتی دیگر، آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ﴾<sup>۵</sup> به پیروان فلانی و فلانی تأویل شده است که آن‌ها را به جای امامی که خداوند برایشان معین کرده بود، به عنوان پیشوا انتخاب کردند.<sup>۶-۷</sup> در گزاره دیگری، با

۱. رک: کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر، ص ۵۵۵، کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲/ ۴۱۳-۴۲۱ و ۷۵۰/۱۵؛ استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۲۰، ۶۹۴.

۲. زمز: ۸.

۳. ابوالفضیل کنایه از ابوبکر است. علامه مجلسی علت چنین تعبیر کنایه‌ای را تقیة امام یا راوی بیان کرده است (مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ۲۶/ ۱۱۸؛ فیض کاشانی، محمدمحسن، وافی، ۲/ ۲۱۹).

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۵/ ۴۷۳.

۵. بقره: ۱۶۵.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/ ۲۵۷.

۷. ممکن است مفاد این روایت در ظاهر مشکوک به غلو باشد؛ اما باید توجه داشت که

استناد به آیه ۲۵۷ سوره بقره، چنین بیان شده است که پیروان خلیفه اول و دوم، به خاطر پذیرش ولایت آن دو، اعمالشان سودبخش نیست، گرچه امانت دار، صادق و پایبند به عهد و پیمان باشند.<sup>۱</sup> در روایتی دیگر، آیه «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ»<sup>۲</sup> به انحراف امت بعد از پیامبرشان در پذیرش خلفای سه گانه تأویل شده است.<sup>۳-۴</sup>

### ۳-۳. گفتمان الوهیت، تفویض و ولایت

بررسی گزارشات تاریخی حاکی از آن است که رفته رفته و با گذر زمان، در بین کسانی که معتقد به امامت اهل بیت پیامبر علیهم السلام بودند، انحرافات افراط گرایانه شدیدی پدید آمد. این انحرافات موجب بروز چندین گفتمان در بحث هویت و شئون امام گردید:

#### ۳-۳-۱. گفتمان الوهیت

باورمندان به این گفتمان، گالیانی بودند که یا به خاطر محبت افراطی و بیش از حد خویش به ائمه علیهم السلام، یا برای دستیابی به اهداف مادی و قدرت طلبی، در شناخت و معرفی پیامبر و اهل بیتشان دچار انحراف شدیدی شدند. بنا بر گزارشات تاریخی، کوفه مهم ترین شهری بود که غلات در آن فعالیت می کردند. راز این مسئله، وجود استعداد فراوان کوفیان در پذیرش مطالب جدید و غلو آمیز بیان شده است.<sup>۵</sup> پیروان این گفتمان باورمند به الوهیت پیامبر و اهل بیت بودند

سند این روایت صحیح است و عیاشی و شیخ مفید نیز این روایت را گزارش نموده اند (رک: عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر، ۱/ ۷۲؛ مفید، محمد بن محمد، اختصاص، ص ۳۳۴). علامه مجلسی رحمته الله علیه نیز ضمن پذیرش مفاد روایت، به شرح آن پرداخته است (رک: مجلسی، محمد باقر، همان، ۴/ ۲۱۲).

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/ ۲۶۱.

۲. انشقاق: ۱۹.

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۲/ ۴۱۳.

۴. برای مشاهده نمونه های دیگر رک: همان، ۲/ ۶۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۵/ ۵۱۳، ۶۱۳، ۷۵۰؛ نعمانی، محمد، الغیبه، ص ۲۶۰؛ استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۹۴.

۵. رک: شفیعی، سعید، مکتب حدیثی شیعه در کوفه تا پایان قرن سوم، ص ۱۸۸ و ۱۹۱.



و چنین می‌پنداشتند که پروردگار، در کالبد رسول خدا و اهل بیتش علیهم‌السلام حلول کرده است و ایشان آلهه روی زمین هستند.<sup>۱</sup>

گرچه رواج و گسترش گفتمان غلودر زمان حیات صادقین علیهم‌السلام به وقوع پیوست، اما شواهد و قرائن تاریخی بر ادامه حیات این فرقه‌ها دست‌کم تا قرن سوم هجری و زمانه ابن‌محبوب دلالت دارند؛ به عنوان نمونه گزارش شده که امام جواد علیه‌السلام درباره ابوالخطاب فرمود: لعنت خدا بر ابوالخطاب و اصحاب او و کسانی که درباره لعن بر او توقف و یا تردید کنند. آن‌گاه امام به ابوالغمر، جعفر بن واقد و هاشم بن ابی‌هاشم اشاره کرد و پس از تذکر درباره بهره‌گیری آنها از ائمه علیهم‌السلام به منظور بهره‌کشی از مردم، آنان را در ردیف ابوالخطاب دانست. حتی در روایتی چنین گزارش شده که آن حضرت به اسحاق انباری فرمودند: دوتن از غلات که خود را سخنگویان امامان قلمداد می‌کردند، به هر طریقی هست، باید کشته شوند. دلیل این تصمیم امام، نقش بسیار حساس آنان در منحرف ساختن شیعیان ذکر شده است.<sup>۲</sup>

### ۳-۲-۳. گفتمان تفویض

گروهی دیگر از غالیان که مفوضه نام داشتند، معتقد به تفویض امر خلقت و تدبیر جهان به پیامبر و ائمه بودند. آنان قائل به نسخ شرایع توسط ائمه بودند و نزول فرشتگان بر ایشان را امری طبیعی می‌دانستند. برخی از ایشان برابرها سلام می‌کردند و اگر ابری می‌دیدند، می‌گفتند علی علیه‌السلام در آن است. گرچه نخستین گزارش‌های تفویض در اوایل سده دوم هجری ظاهر گشت، ولی این موضوع هنوز گفتمانی شناخته در جامعه آن دوره نبود و تفویض غالباً در معانی دیگر آن به کار می‌رفت. با اتکا به زمان صدور گزارش‌های جرح مفوضه، مشخص می‌شود

۱. رک: اشعری، علی، مقالات الاسلامیین، ۱/ ۶-۱۵؛ نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، ص ۶۹-۷۳.

۲. رک: جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی ائمه، ص ۴۹۱؛ گرامی، سید محمد هادی، «تطور گفتمان تفویض در سده دوم هجری و طیف مفضل بن عمر»، تاریخ و تمدن اسلامی، ۴۹/۱۵.

که گفتمان تفویض، از اواخر سده دوم هجری، یعنی دوره امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام در جامعه شناخته و نهادینه گشته است و هم‌زمان با آن، طیف مفضل بن عمر جعفی نیز به عنوان مهم‌ترین جریان امامی که با این گفتمان ارتباط برقرار کرد، به تفویض متهم شده است. از این رو می‌توان گفت دوران شکل‌گیری و نهادینه شدن گفتمان تفویض، از اواخر سده دوم هجری و هم‌زمان با دوران حیات ابن محبوب بوده است.<sup>۱</sup>

### ۳-۳-۳. گفتمان ولایت

در مقابل دو جریان افراطی غلو و تفویض، شیعیان امامیه معتدل قرار داشتند که اهل بیت علیهم السلام را بندگان برگزیده و اولیای مقرب الهی می‌دانستند و پذیرش امامت و ولایت ایشان و اطاعت و سرسپردگی محض نسبت به فرامین آنان را تکلیفی الهی قلمداد می‌نمودند.<sup>۲</sup>

در میان روایات تفسیری ابن محبوب نیز، گزاره‌های فراوانی قابل مشاهده است که در آنها، استعمال واژگان «الْوَلَايَةُ، وَالْأَيَّتِنَا، مُوَالَاتِنَا، يَتَوَلَّانَا» پرتکرار بوده و بسامد بالایی دارد. در این روایات، بر پیوند عمیق میان آیات قرآن و ولایت اهل بیت علیهم السلام تأکید شده است و این نشانگر وجود چهارمین مؤلفه کلان تفسیری در روایات این راوی می‌باشد. این احادیث که اکثراً در قالب گونه‌های تأویلی و تطبیقی قرار می‌گیرند، در صدد تبیین جایگاه ولایت اهل بیت علیهم السلام در کلام وحی و ویژگی‌های آن می‌باشند و در دو محور ذیل می‌توان به آنها اشاره نمود:

### ۳-۳-۳-۱. منزلت ولایت در قرآن

برخی از روایات ابن محبوب، در بردارنده تأویل یا انطباق معانی آیات بر ولایت اهل بیت علیهم السلام هستند. بر ایند مفهومی این روایات، نشانگر این است که همگی،

۱. رک: اشعری، علی، همان، ص ۱۶؛ مشکور، محمدجواد، مقدمه فرق نوبختی، ص ۲۱۴؛

شفیعی، سعید، همان، ص ۱۹۶؛ گرامی، سید محمد هادی، همان، سرتاسر اثر.

۲. رک: جبّاری، محمدرضا، «نگاهی به مکاتب حدیثی شیعه در سده‌های اولیه»، شیعه‌شناسی،

۳ و ۴ / ۷۰.

در صدد تبیین اتحاد ولایت اهل بیت علیهم السلام با ولایت الهی می باشند و ولایت خدا را به عنوان بن مایه و محور دین، و ولایت اهل بیت علیهم السلام را در طول آن دانسته اند؛ به عنوان نمونه، ابن محبوب در تفسیر آیه ۱۱۸ سوره نحل، از امام هفتم نقل نموده است که خداوند، ولایت ما را ولایت خویش قرار داده و آیه مذکور را بر این اساس نازل نموده است.<sup>۱</sup> هم چنین در گزاره های متعددی، ولایت اهل بیت علیهم السلام به عنوان بطن آیه یا مصداق برتر آن معرفی شده است؛ همچون: «دین حق» در آیه نهم سوره صف، «هدایت» در آیه سیزدهم سوره جن، «یکی از بزرگ ترین آیات خداوند» در آیه ۳۵ سوره مدثر و «تذکره و رحمت پروردگار» در آیات ۲۹ تا ۳۱ سوره انسان.<sup>۲</sup>

### ۳-۳-۲. کارکرد ولایت

بخش دیگری از روایات، به آثار و ثمرات پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام با توجه به آیات قرآن کریم اشاره دارند. در این روایات، پذیرش ولایت شرط قبولی اعمال انسان دانسته شده و خروج از ظلمت و بهره مندی از مغفرت پروردگار، طهارت قلب مؤمن، همراهی و معیت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، سلامتی از شدائد حساب و هراس روز قیامت، مضاعف شدن اعمال و رسیدن به درجات عالیّه بهشتی، از جمله آثار پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام بیان شده است؛ چنان که ترک ولایت ائمه علیهم السلام نیز موجب هلاکت انسان، قبول نشدن اعمال و چشیدن عذاب دردناک الهی در قیامت خواهد شد.<sup>۳</sup>

### ۳-۴. گفتمان علم امام

یکی دیگر از مباحث چالش برانگیزی که محل تضارب آرا و تقابل اندیشه های برخی بزرگان و جریان های فکری مسلمان، به ویژه امامیه در سده دوم و سوم هجری

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۲/ ۴۱۹.

۲. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۶۱، ۷۰۵، ۷۲۸.

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۲/ ۶۵، ۳۷۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۵۳۵ و ۲/ ۲۶۱، ۴۰۸ و ۱۵/ ۷۴۹؛ طوسی، محمد بن حسن، امالی، ص ۴۱۷؛ استرآبادی، علی، همان، ص ۴۱۷.

قرار گرفت، موضوع علم امام بود. در میان طوایف اهل سنت و خوارج، آگاهی و اطلاع از کتاب و سنت نبوی، برای کسی که ردای امامت و پیشوایی مسلمانان را پوشیده، نهایت شرطی بود که گذاشته می شد.<sup>۱</sup> اما در نگاه شیعه، همان گونه که جایگاه امامت، جایگاهی خاص و الهی تلقی می شد، کیفیت و گستره علم امام نیز با دیدگاه دیگر فرق اسلامی کاملاً متمایز بود.

البته میان طوایف مختلف شیعی نیز اختلافات فراوانی در این زمینه گزارش شده است. نویختی در گزارشی اجمالی از اختلاف فرقه های زیدیه درباره علم امام خبر می دهد. بر اساس گزارش وی، جریان سرحوبیه از زیدیه بر این باور بودند که علم به همه چیز بدون تعلیم، در نزد امام وجود دارد و در علم امام، کمیت و سن مطرح نیست و علم امام در مهد، با امام بالغ یکسان است. اما دیگر فرق زیدیه عقیده داشتند که علم، نزد امام و سایر مردم است و هرکس که در نهایت قادر نبود پاسخ پرسش را بیابد، می تواند اجتهاد کند و به رأی خود تمسک جوید.<sup>۲</sup> غالیان نیز بر این باور بودند که چون امامان در طبقه انبیا قرار می گیرند، وحی ای که به آنان نازل می شود نیز همان وحی پیامبرانه است.<sup>۳</sup>

اختلاف پیرامون کیفیت علم امام، در میان شیعیان اثناعشریه نیز موجب بروز جریان های متعددی گردید. این اختلافات از زمان امام باقر علیه السلام در میان اصحاب ائمه پدیدار شد و در آغاز دوران پیشوایی امام جواد علیه السلام، مصادف با زمانه ابن محبوب، به اوج خود رسید و در نهایت موجب شکل گیری سه جریان امامی گردید. گروهی با تأکید بر ختم نبوت، قائل به انقطاع مطلق وحی شدند و هرگونه ارتباط میان امام و فرشتگان را نفی کردند و علم امام را برگرفته از پیامبر دانستند. باورمندان به این عقیده، پیروان جریان هشام بن حکم همچون یونس بن عبدالرحمن (م ۲۰۸ ق) بودند.<sup>۴</sup> دسته دوم سعی نمودند بر ختم نبوت تأکید

۱. رک: ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، مسائل الامامة، ص ۹۳.

۲. نویختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، ص ۵۵-۵۶.

۳. رک: همان، ص ۱۲۸-۱۳۲؛ اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات والفرق، ص ۵۰-۵۱.

۴. رک: نویختی، حسن بن موسی، همان، ص ۸۸؛ مسعودی، علی بن حسین،

کنند و از سویی دیگر، علاقه‌مند بودند که امام را از علوم آسمانی و ارتباط با فرشتگان بهره‌مند بدانند و به همین علت، امام را برخوردار از الهام و تحدیث دانستند. در نظر این گروه، امام تنها صدای فرشته را می‌شنود؛ برخلاف پیامبر که فرشته را هم می‌دید. گروه سوم قدم را از این فراتر گذاشتند و معتقد بودند، امام هم صدای فرشته را می‌شنود و هم او را می‌بیند، اما وحی‌ای که بروی نازل می‌شود، شاخصه‌هایی دارد که آن را از وحی‌ای که بر پیامبران نازل می‌شده است، متمایز می‌کند.<sup>۱</sup>

یازده مورد از روایات تفسیری ابن محبوب دربرگیرنده گزاره‌هایی است که دال بر دانش امام و منزلت علمی ایشان است. در این روایات، با توجه به آیات قرآن، ویژگی‌های علم امام، هم به لحاظ کمی (گستره آن) و هم به لحاظ کیفی (ریشه و منشأ آن) بیان گردیده است.

### ۳-۴-۱. مؤلفه اول: گستره علم امام

بر اساس روایتی که ابن محبوب در تفسیر آیات ۲۶ و ۲۷ سوره جن گزارش داده است، علم مطلق به غیب پیش از آفرینش اشیا و در حالی که همه چیز در مرتبه تقدیر به سر می‌برند، مخصوص پروردگار عالم است؛ اما آن علمی که خداوند به رسول الله و ائمه علیهم‌السلام اعطا فرموده است، مربوط به مرتبه دوم آفرینش، یعنی پس از مشیت، اراده و تأیید قطعی و حکم به وجود شیء است.<sup>۲</sup> هم چنین جمع قرآن و حفظ آن طبق نزول، آگاهی و شناخت کامل کتاب الله و دین الهی، باخبر بودن از اخبار و حوادث آینده، اطلاع از اعمال بندگان، بهره‌مندی از اسم اکبر الهی، میراث علم و دانش پیامبران و شناخت حکم خدا و رسولش، مواردی است که در روایات ابن محبوب بیانگردامنه علم و دانش امام می‌باشد. تطبیق گزاره‌های

اثبات الوصیة، ص ۲۲۰؛ طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامة، ص ۳۸۸.

۱. رک: نوبختی، حسن بن موسی، همان، ص ۱۲۸-۱۳۲؛ اشعری، سعد بن عبدالله، همان.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۶۳۷.

توصیفی متعددی در قرآن بر اهل بیت علیهم السلام و معرفی ایشان به عنوان مرجع دریافت احکام خداوند و شناخت حلال و حرام الهی نیز بیانگر آگاهی ایشان نسبت به کتاب وحی، دین الهی و اخبار غیب می باشد.<sup>۱</sup>

با توجه به نمونه های ذکر شده در روایات ابن محبوب، می توان چنین برداشت نمود که دامنه علم امام - به جز آن مرتبه از علم غیب که مخصوص پروردگار بوده - فراگیر بوده و علمی اختصاصی و وابسته به علم الهی است.

### ۳-۴-۲. مؤلفه دوم: منابع علم امام

بر اساس کنش های زبانی موجود در روایات تفسیری ابن محبوب، چنین به دست می آید که شش عامل در شکل گیری دانش عمیق و گسترده امام مؤثر است: توارث هر معصوم از معصوم پیشین، الهام خداوند از طریق القای روح القدس به ائمه علیهم السلام، عمودی از نور که امام به وسیله آن از اعمال و رفتار اهل زمین آگاهی پیدا می کند، روحی که خداوند به پیامبر وحی کرده و در آیه ۵۲ سوره شوری از آن یاد شده است، کتاب امام علی علیه السلام و قدرت استنباط علمی مصون از انحراف، خطا، کذب و گناه.<sup>۲</sup>

### نتیجه گیری

نتایج واکاوی گزاره های تفسیری مرتبط با آموزه امامت در احادیث ابن محبوب، حاکی از آن است که پربسامدترین کنش های زبانی روایات که در واقع حاصل از نظام نشانه ای ذهن ابن محبوب است، پیرامون چندین گفتمان تفسیری مربوط به آموزه امامت است. با در نظر داشتن گفتمان های رقیب و آوای متعارض در عصر

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۱/ ۳۶۹ و ۲/ ۶۱؛ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۱۹۳/ ۱، ۴۸۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۵۳۵ و ۲/ ۲۹۳ و ۱۵/ ۶۱۰؛ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۱/ ۲۱۷.

۲. رک: قمی، علی بن ابراهیم، همان، ۱/ ۲۴۴؛ صفار، محمد بن حسن، همان، ۱/ ۴۵۲، ۴۵۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/ ۲۹۳ و ۳۲۴ و ۱۵/ ۲۷۵؛ صدوق، محمد بن علی، همان، ۱/ ۲۱۷.

ابن محبوب، به ویژه گفتمان تفسیری اهل سنت، هدفمندی در گزینش و بازتاب روایات تفسیری ابن محبوب و اهتمام او به پاسخگویی به ابهامات و اشکالات دیگر جریان های فکری، روشن تر شد و کشف مؤلفه های گفتمان تفسیری وی میسر گردید. براین اساس، چنین به دست آمد که گفتمان تفسیری ابن محبوب، شامل چهار مؤلفه گفتمانی کلان می باشد که به صورت کاملاً هدفمند و آشکار، در دیالکتیک تعاملی با گفتمان های رقیب بازتاب یافته است.

نخستین مؤلفه کلان گفتمان تفسیری ابن محبوب، در رویارویی با گفتمان خلافت و امامت انتخابی است که از سوی کنشگران اهل سنت و برخی انشعابات زیدیه در زمانه ابن محبوب و در شهر کوفه مطرح می گشت. در نگاه این افراد، انتخاب امام و خلیفه مسلمین به عهده مردم گذاشته شده و از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تنصیبی در این زمینه صورت پذیرفته است. در نتیجه، تعیین جانشین برای آن حضرت طبق فرایند اجماع و انتخاب محقق می شود و وصیت پیامبر تنها نسبت به عمل به کتاب الله بوده است. جایگاه امامت از منظر این افراد، با داشتن ویژگی ها و اوصافی از قبیل اجتهاد علمی، عدالت و شجاعت برای امام محرز می شود و فاقد شئون دیگری است. گفتمان تفسیری ابن محبوب در این بخش بر چهار مؤلفه استوار است:

۱. مسئله تعیین امام امری توقیفی بوده و صرفاً از جانب خداوند تحقق یافته است و عواملی چون انتخاب مردم و اجماع اهل العقد، فاقد اعتبار و وجاهت دینی است.

۲. جایگاه امامت و پیشوایی جامعه مسلمان امری اختصاصی بوده که از سوی پیامبر و در قالب فرایند ابلاغ و وصیت به اهل بیتشان، برای مردم تبیین گردیده است. از این رو هیچ کسی جز اهل بیت ایشان، قابلیت و شأنیت این جایگاه را ندارد و نخواهد داشت.

۳. اندیشه وصایت و جانشینی پیامبران الهی، اصلی ثابت و جاری میان رسولان الهی در طول تاریخ بوده و پیامبرگرمی اسلام نیز در راستای همین اصل، از جانب خداوند مأمور به معرفی اهل بیت خویش به عنوان اوصیای خود بوده است.

۴. در منظومه روایات تفسیری ابن محبوب، منزلت امامت جایگاهی ویژه و خاص است که حاکی از تقرب امام به خدای سبحان و هدایت یافتگی ایشان است. از این رو جایگاه امامت دارای شئون متعدد مادی و معنوی است که اهل بیت پیامبر ﷺ از طریق اصطفاء و برگزیدگی توسط خداوند به آن جایگاه نائل گشته‌اند. دومین مؤلفه کلان گفتمان تفسیری ابن محبوب، در رویارویی با گفتمان تفضیل سه خلیفه نخست بر امام علی ﷺ بازتاب یافته است. ابن محبوب در این بخش با گزارش روایات فضایل و مناقب امیرالمؤمنین ﷺ در قرآن، پنداره برتری خلفای سه‌گانه بر امام علی ﷺ را ابطال نموده و سپس در بخش دوم، با انعکاس روایاتی متعدد، ایشان را به عنوان ائمه جور و پیشوایان ضلالت و گمراهی معرفی نموده است.

سومین مؤلفه کلان گفتمان تفسیری ابن محبوب، اهمیت ولایت و سرپرستی امام را بیان کرده و پیوند عمیق آموزه ولایت عترت با ولایت الله را براساس آیات قرآن تشریح نموده است. هم‌چنین از سوی دیگر، آثار و ثمرات پذیرش ولایت ائمه اطهار ﷺ را گزارش کرده و نقش ولایت آنان در سعادت و نگون‌بختی انسان را معرفی نموده است. تحلیل گفتمانی این بخش از روایات، ما را بدین سوره‌نمون ساخت که این گفتمان، در برابر گفتمان انحرافی الوهیت امام و پنداره‌های تفویضی است که از سوی طیف غالیان زمانه ابن محبوب در بستر فکری جامعه شیعه تزیق می‌گردید.

چهارمین مؤلفه کلان گفتمان تفسیری ابن محبوب، مربوط به آموزه علم و دانش امام است. با توجه به گفتمان‌های متعددی که از سوی طیف‌های مختلف مسلمان در زمانه ابن محبوب نسبت به گستره دانش امام و منابع آن مطرح بوده، گفتمان تفسیری این راوی بر پایه دو مؤلفه استوار است:

۱. دامنه علم امام فراگیر بوده و محدود به موضوع خاصی نیست و تنها آگاهی به اشیا پیش از آفرینش و در مرتبه تقدیر، از آن استثنا شده و مخصوص ساحت باری تعالی دانسته شده است.



۲. عوامل تشکیل دهنده علم امام نیز شش مؤلفه بیان شده است: توارث، الهام غیبی، عمودی از نور، روح نازل شده از جانب پروردگار، کتاب علی علیه السلام و استنباط علمی مصون از خطا و کذب.

هم چنین برجستگی دوره‌یافت عمیق و تبیین بواطن آیات (تأویل) و انطباق آنها بر مصادیق حقیقی و جاری در زمان (جری و تطبیق) در میان احادیث تفسیری حسن بن محبوب نمود قابل توجهی دارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت، رویکرد تفسیری ابن محبوب در بازتاب روایات تفسیری مرتبط با آموزه امامت، بیشتر رویکردی تأویلی - تطبیقی است.

## فهرست منابع

### کتاب‌ها

#### قرآن کریم

ابن ابی شیبه، عبدالله بن محمد، کتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، تحقیق: کمال یوسف الحوت، مکتبه الرشد، ریاض، ۱۴۰۹ ق.

ابن جعد، علی، مسند ابن الجعد، تحقیق: عامر أحمد حیدر، مؤسسة نادر، بیروت، ۱۴۱۰ ق.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، مطبعة دائرة المعارف النظامية، هند، ۱۳۲۶ ق.

ابن حنبل، احمد بن محمد، الجامع لعلوم الإمام أحمد، تألیف: سید عزت عید خالد الرباط، دار الفلاح للبحث العلمي و تحقیق التراث، مصر، ۱۴۳۰ ق.

-----  
المسند، تحقیق: شعيب الأرئوطو و دیگران، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۲۱ ق.

ابن سعد، محمد، طبقات الكبرى، دار الکتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۰ ق.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.

ابن ماجه، محمد بن یزید، السنن، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، دار إحياء الكتب العربية، قاهره.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، اساطیر، تهران، ۱۳۸۱ ش.

ابوعبیده، معمربن مثنی، مجاز القرآن، تحقیق: فؤاد سرگین، مکتبه الخانجی، مصر، ۱۳۸۱ ق.

ابوعوانه، یعقوب بن اسحاق، مستخرج أبي عوانة، تحقیق: أيمن بن عارف الدمشقي، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۱۹ ق.

استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، تحقیق: حسین ولی، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۰۹ ق.

اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تصحیح: محمدجواد مشكور، شركت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۰ ش.

اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، تحقیق: نعیم زرزور، المکتبه العصرية، لبنان، ۱۴۲۶ ق.

امین، سیدمحسن، أعيان الشيعة، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ ق.

برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تحقیق: جلال‌الدین محدث، چاپ دوم: دار الكتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.

-----، رجال البرقي، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳ ق.

بشیر، حسن، تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۸۵ ش.

تودوروف، تزوتان، منطق گفتگویی میخائیل باختین، ترجمه: داریوش کریمی، مرکز، تهران، ۱۳۹۱ ش.

تهرانی، آقابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ ق.

جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی ائمه، مؤسسه انصاریان، قم، ۱۳۸۱ ش.

حسینی میلانی، سیدعلی، جانشین پیامبر کیست؟ پژوهشی پیرامون جانشینی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دیدگاه اسلام، مرکز تحقیق اسلامی، قم، ۱۳۸۸ ش.

-----، جواهر الکلام في معرفة الإمامة و الإمام.

حلی، حسن بن یوسف، رجال علامه حلی (الخلاصه)، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.

خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحديث، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ۱۴۱۰ ق.

ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، دار الحديث، قاهره، ۱۴۲۷ ق.

-----، میزان الاعتدال، دار المعرفة للطباعة و النشر، بیروت، ۱۳۸۲ ق.

رجبی دوانی، محمدحسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ۱۳۹۷ ش.

سعید بن منصور، ابوعثمان، التفسیر من سنن سعید بن منصور، دارالصمعی للنشر والتوزیع، ریاض، ۱۴۱۷ ق.

سفیان ثوری، ابو عبدالله، تفسیر سفیان الثوری، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۳ ق.  
شفیعی، سعید، مکتب حدیثی شیعه در کوفه تا پایان قرن سوم، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۹ ش.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، الشریف الرضی، قم، ۱۳۶۴ ش.  
صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ ش.  
-----  
کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم: اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ ق.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلی الله علیه، تحقیق: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، چاپ دوم: مکتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.

صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر القرآن العزیز، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۱ ق.  
طبری، محمد بن جریر، جامع البیان في تفسیر القرآن، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۲ ق.  
طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامة، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، بعثت، قم، ۱۴۱۳ ق.

طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۴۸ ش.  
-----  
الامالي، تحقیق: مؤسسة البعثة، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.  
-----  
الفهرست، المکتبة المرتضوية، نجف.

-----  
تهذيب الأحكام، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.  
عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، المطبعة العلمية، تهران، ۱۳۸۰ ق.  
فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، تحقیق: محمد علی نجار و احمد یوسف نجاتی، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۸۰ م.

فرکلاف، نورمن، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه: فاطمه شایسته پیران و دیگران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۹ ش.

فرمانیان، مهدی، آشنایی با فرق تشیع، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۷ ق.  
فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ ق.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، چاپ سوم: دار الكتاب، قم، ۱۴۰۴ ق.

کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، تحقیق: مهدی رجایی، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۳۶۳ ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: دار الحدیث، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق.  
کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق: محمد کاظم، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، تهران، ۱۴۱۰ ق.

گرامی، سید محمد هادی، نخستین اندیشه‌های حدیثی شیعه: رویکردها، گفتمان‌ها، انگاره‌ها و جریان‌ها، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۹۶ ش.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم: دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۴ ق.

مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ سوم: انصاریان، قم، ۱۳۸۴ ش.

مشکور، محمد جواد، مقدمه ترجمه فرق الشیعة نوبختی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۳ ش.

مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، المؤتمر العالمي لالفیة الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق.

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، مسائل الامامة و مقتطفات من الكتاب الاوسط فی المقالات، دار النشر فرانکس شتاينر بقیسبادن، بیروت، ۱۹۷۱ م.

نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة للنعمانی، تصحیح: علی اکبر غفاری، صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.

نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

یحیی بن سلام، تفسیر یحیی بن سلام، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۵ ق.

### مقالات

بهبودی، محمد باقر، «حسن بن محبوب کوفی»، کاوشی نودر فقه، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۷۶ ش.

پاکتچی، احمد، «حوزه‌های کم‌شناخته و متقدم حدیث و معارف امامیه در عراق،

شام و مصر»، صحیفه مبین، شماره ۵۲، ۱۳۹۱ ش.

جباری، محمدرضا، «نگاهی به مکاتب حدیثی شیعه در سده‌های اولیه»، شیعه‌شناسی، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۲ ش.

راد، علی، «شیوه‌های بازیابی میراث مفقود اسلامی: معرفی کتاب کتب التراث بین الحوادث و الاثبات»، آینه پژوهش، شماره ۱۰۱، ۱۳۸۵ ش.

راد، علی و عزیزی، سعید، «در جستجوی کتاب التفسیر حسن بن محبوب»، مشکات، شماره ۱۴۴، ۱۳۹۸ ش.

راد، علی و ولایتی، مریم، «گفتمان‌کاوی تفسیر شیعه در کوفه؛ اصبع و گفتمان امامت وصایتی»، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱۹، ۱۳۹۵ ش.

راد، علی و ولایتی، مریم، «گفتمان‌کاوی تفسیر شیعه در کوفه؛ بازپژوهی اندیشه‌های تفسیری سعید بن جبیر»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۳۷، ۱۳۹۷ ش.

رحمان ستایش، محمداکرم و فرجامی، اعظم، «واکاوی مذهب و روایات حسن بن صالح در کتب امامیه»، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱، ۱۳۹۰ ش.

زارعی کربانی، محمد، «جستجویی در ترجمه حسن بن محبوب»، علوم حدیث، شماره ۶، ۱۳۷۶ ش.

سداقت ثمرحسینی، کامیار، «وصایای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دربارهٔ جانشین بلافضل خود و نقد نظریه انکار وصایت»، پژوهشنامه علوی، شماره ۲، ۱۳۹۳ ش.

صیامیان گرجی، زهیر و موسوی سیانی، سعید و دلوندی، محمدباقر، «تحلیل گفتمانی میراث حدیثی شیعه؛ مبانی و نتایج مطالعه موردی: بصائر الدرجات صفار قمی»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۳۵، ۱۳۹۶ ش.

گرامی، سیدمحمدهادی، «تطور گفتمان تفویض در سده دوم هجری و طیف مفضل بن عمر»، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۵، ۱۳۹۱ ش.

نصراوی، محمد، «درآمدی بر گفتمان‌کاوی تاریخی؛ مطالعه موردی خطبه حضرت زینب رَضِيَ اللهُ عَنْهَا در شام»، صحیفه مبین، شماره ۵۷، ۱۳۹۴ ش.

-----  
«روند رویارویی گفتمان علوی و اموی: واکاوی کنش‌های زبانی پس از واقعه عاشورا»، صحیفه مبین، شماره ۵۶، ۱۳۹۳ ش.

## مباحث الإمامة في «كتاب التفسير» للحسن بن محبوب

سعيد عزيزي<sup>١</sup> / علي راد<sup>٢</sup> / روح الله شهيدي<sup>٣</sup>

### الخلاصة:

من أهم المناهج الحديثة في دراسة الأحاديث التفسيرية عند الإمامية، هو دراسة محادثات ومباحث الإمامة، يبتني هذا المنهج على أساس دراسة النسيج الفكري للمجتمع في عصر تأليف الكتب التفسيرية للشيعة ومعرفة المتعارض منها في بطون الروايات، وعلى هذا المنهج فقد تمت دراسة كتاب التفسير للحسن بن محبوب (١٤٩- ٢٤٤هـ) من أصحاب الإمام الكاظم عليه السلام والإمام الرضا عليه السلام والإمام الجواد عليه السلام، ومن أصحاب الإجماع عند الإمامية، ومن الأركان الأربعة العلمية للشيعة في عصره. وقد ورد التقرير عن هذا التفسير في مصنّفات التراث على أنه من أهم المصادر الحديثية في الحقيقة التاريخية من النصف الثاني من القرن الثاني إلى أوائل القرن الثالث الهجري.

وبناء على ذلك فإنّ المسألة الأساسية هي دراسة محتوى تفسير الحسن بن محبوب، على أساس تحليل المحاورات والمحادثات، وتحليل مكانة هذا التفسير في تاريخ تفاسير الإمامية في القرن الثاني والثالث الهجريين، وتستنتج هذه الدراسة أن مباحث الإمامة في تفسير ابن محبوب تتسكّل من كل: الوصية، ومعرفة الإمام، تفضيل أمير المؤمنين عليه السلام، وتنقيص الخلفاء، والولاية، وعلم الإمام. وبناءً عليه يمكن القول أن لتفسير الحسن بن محبوب في مواجهة المخالفين أصداء علمية.

**المفردات الأساسية:** الحسن بن محبوب، الروايات التفسيرية، عقيدة الإمامة، التراث التفسيري، تفاسير الإمامية.

١. طالب مرحلة الدكتوراه في علوم القرآن والحديث في جامعة طهران برديس فارابي

(الكاتب المسؤول).

٢. أستاذ مساعد في جامعة طهران برديس فارابي.

٣. أستاذ مساعد في جامعة طهران برديس فارابي.

## The Discourse on Imamate in *Kitab al-Tafsir* of Hasan b. Mahboub

Saeed Azizi<sup>1</sup> / Ali Rad<sup>2</sup> / Rouhollah Shahidi<sup>3</sup>

### Abstract

Historical discourse studies are amongst modern approaches to studying Shiite tafsir-oriented hadiths. This approach is concerned with studying the currents of thought prevalent in the time of formation of Shiite tafsir books and discovering their opponent voices, as mirrored in the hadiths of the same time period. Based on this approach, *Kitab al-Tafsir* of Hasan b. Mahboub (149-224 AH/ 766-838) has been analyzed in this work. He was a companion of the three Imams: Musa al-Kazim, Ali al-Rida, and Muhammad al-Jawad. He is, therefore, regarded as a noteworthy Shiite scholar of his time. Hadith-oriented research show that his book was regarded as a major Shiite source in the second half of the second/ eighth century and the first half of the third/ ninth century. Within this time-span, his tafsir-oriented criteria comprised the explicit nomination of Imam Ali, identification of the Infallible Imams, the merits of Imam Ali, diminish of the caliphs, the supremacy and Allah-granted knowledge of the Infallible Imams. As such, this book was developed in a direct doctrinal confrontation against the four Sunni rival schools.

**Keywords:** Hasan b. Mahboub, tafsir-oriented hadiths, the Imamate doctrine, tafsir discourse, Twelver Shiite tafsir.

- 
1. PhD of Quran and Hadith Science, University of Tehran, Farabi Campus.  
Email: saeedazizi24@gmail.com
  2. Associate Professor, University of Tehran, Farabi Campus.  
Email: ali.rad@ut.ac.i
  3. Associate Professor, University of Tehran, Farabi Campus.  
Email: shahidi@ut.ac.ir